

رویکردی عرفانی-فلسفی در تبیین واژگان قرآنی

معرفی اجمالی
مصطلحات قرآنیه دکتر صالح عظیمه

علی راه

ان تمثله سلوكاً و عقیده . و كان الامام رغم كل انشغالاته يسمع من زائريه كل ما لديهم ، و هذا مؤثر قيادي كبير في شخصيته التي طبعت بعرفانية عالية ، اما وصيته فكانت بحق دستور عمل لمن خلفه تركها لتكون دليلاً و منهجاً لمسيرة هذه الثورة الاسلامية المباركة»^۱ .

۲. شناسه و ساختار کلی مصطلحات قرآنیه

چاپ نخست این اثر را دانشگاه بین المللی علوم اسلامی لندن در سال ۱۹۹۴م به زبان عربی در ۴۴۸ صفحه قطع وزیری به طبع رسانید . چند سال پیش نیز دکتر سید حسین سیدی در ایران آن را به فارسی برگرداند و نشر آستان قدس رضوی مشهد آن را با عنوان معناشناسی واژگان قرآن در ۶۹۴ صفحه به چاپ رساند .

۱. برای آگاهی بیشتر از شخصیت و پژوهش های علمی و ادبی وی بنگرید: الدكتور صالح عظیمه أدبه و جهوده فی التراث، قضی الشیخ عسکر، مجلة الموسم، شماره ۱۱ .
۲. از جمله تحقیقات وی در زمینه عرفان، ویرایش و نشر کتاب رسالتان فی الحکمة المتعالیة والفکر الروحی اثر حکیم حسن بن حمزه شیرازی و تحقیق کتاب التکوین والتجلی علامه احمد محمد حیدر است .
۳. بنگرید به مجموعه مقالات و سخنرانی های همایش مرکز اسلامی در لندن با عنوان «النداء الاخير فی وصیة الامام الخمينی (رض) فی ابعادها السیاسیة والاخلاقیة والاجتماعیة» . برای آگاهی بیشتر از دیدگاه های وی بنگرید: الدكتور صالح عظیمه ، المنبر الحرّ: دعوة الی العلماء والمفکرین، رسالة التقرب، شماره ۱۵ .

علم تفسیر از جمله دانش های علوم قرآنی است که پیشینه ای درازدامن و هماهنگ با نزول نخستین آیات قرآن دارد و از دیرباز مورد توجه دانشیان بسیاری واقع شده است . محکم ترین و مطمئن ترین راه در شرح آیات ، راهیابی به عمق معنای واژه قرآن است که گاه تحصیل آن برای مفسر با دشواری هایی همراه است که بایستی آن را طی نمود تا به تفسیری درخور با مراد خدای حکیم دست یازید و این دست یازی در گرو آگاهی از لغت و زبان قرآن و کیفیت نمود معنا در الفاظ آیات است ؛ از این روی از جمله پیش شرط های لازم برای پرداختن به تفسیر درست قرآن رهیابی به معانی اصیل واژگان قرآنی است که در موضوع مفردات قرآن از جهات متنوع به آن پرداخته می شود و تاکنون گونه های متعددی از آن به قلم آمده است . از جمله این پژوهش های سامان یافته در این حوزه کتاب مصطلحات قرآنیه دکتر صالح عظیمه است که در آن به واکاوی شماری از واژگان قرآنی با رویکردی عرفانی-فلسفی پرداخته است . آنچه در این پژوهش بدان پرداخته شده معرفی و بازشناسی آرای وی در این اثر است .

۱. آشنایی اجمالی با نویسنده

دکتر صالح عظیمه از نویسندگان و ادیبان معاصر سوری است که در حوزه ادبیات و عرفان دستی توانا و قلمی روان دارد و در حوزه های گونه گون آثاری از بیان و بنان وی تراویده است .^۱ وی استاد دانشگاه سوربن فرانسه بوده و در زمینه ادبیات ، عرفان و قرآن شناسی به تحقیق مشغول است .^۲ از ویژگی های ایشان ، توجه وی به دانشمندان ایرانی همانند ملاصدرا ، سید حیدر آملی ، باباطاهر عریان ، علامه طباطبایی ، امام خمینی و شهید مطهری است که در کتاب مصطلحات قرآنیه او نمود خاصی پیدا کرده است . در زمینه آرا و اندیشه های عرفانی و سیاسی امام خمینی نیز مطالعاتی داشته و در مقالات خویش بر بیدارگری اسلامی و الگو گرفتن از ایده حکومت اسلامی در ایران تأکید دارد . برای نمونه وی در یادکرد شخصیت امام خمینی در نوفل لوشاتو پاریس می گوید :

«الامام الخمينی جسد الاسلام واقعا سياسياً واجتماعياً بعد

اصل اثر دارای دیباچه ای نه چندان کوتاه از مؤلف با عنوان «درآمدی بر واژگان قرآنی است». وی در دیباچه به بیان دیدگاه های خویش درباره منزلت واقعی قرآن، گستره و بلندای واژگان قرآنی، تعریف اصطلاح قرآنی و ویژگی های آن، ضرورت فهم دقیق واژگان قرآنی، عدم کفایت معنای لغوی واژه ها در برنمودن اسرار و ژرفای آیات، معنای دقیق احاطه و

شمولیت قرآن، تعریف وحی، الهام و امکان آن دو و ... پرداخته است که حکم مبنای وی در سایر مطالب کتاب را دارند.^۴ متن اصلی کتاب شامل معناشناسی صد و سه واژه قرآنی است که به ترتیب نخستین حرف تهجی هر واژه سامان یافته و هر کدام در چند صفحه شرح داده شده اند. نمایه واژگان به ترتیب فهرست کتاب چنین است:

اخلاص	اسراء	اسم	اعتزال	امام	امانت	اهل	آل
انسان	آیه	بخل	برزخ	بلیغ	تسبیح	تطییر	تفکر
تمثّل	توبه	توسّم	توکل	جدال	جوع	حب	حب
حسد	حکمت	حیا	حیات	خلود	خوف	خلیفه	دعا
ربا	رحیم	رحمت	رضا	رقیب	رویا	روح	سحر
سکینه	سیما	شاکله	شجره	شفاعت	شکر	شمس	شهادت
طمس	ظلم	عبث	عدل	عذاب	عقل	علم	غرور
غفلت	غل	غیب	غیبت	فته	فطرت	فقر	قدر
قضا	قلب	کاهن	کبر	کتاب	کذب	کفر	کلام
کلمه	مثل	مجاهدت	مجنون	مس	مکر	ملکوت	مرگ
نبوت	نعمت	نفس	نور	هدایت	همز	هوی	وحی
وقت	ولایت	یقین					

۳. اصطلاح قرآنی در نگاه دکتر عظیمه

اصطلاحات گزیده مؤلف ضمن این که از حیث موضوع دارای تنوع و گونه گونی اند و آن چنان که در آنها سخن از غیب، شهود، ملکوت، غلام پسین و پیشین بشر است سخن از آموزه های اجتماعی، اخلاقی و انسانی این سویی نیز هویدا است، دارای این ویژگی و خصوصیت بارزند که ضمن تنوع از مفاهیم و اصطلاحات بنیادین نظام معرفتی قرآن به شمار می آیند و هدف مؤلف نیز ارائه دورنمایی از این ساختار معرفتی از قرآن در حوزه های مختلف هستی شناسانه آن است؛ در نگاه مترجم اثر نیز این مطلب چنین آمده است:

«کتاب ... حاوی نکاتی است در باب معانی واژگان قرآنی و جایگاه آنها در کلیت نظام معرفتی قرآن. نویسنده محقق آن کوشیده است تا ارتباط هر واژه را در مجموع نظام واژگانی مشخص نماید و معنای مورد نظر را بیابد».^۵

عزت، روح، نفس و ... را ملاحظه می کنیم نمی توان خود را در برابر الفاظی عادی دید که یک یا دو عبارت یا یک یا چند صفحه ای برای توضیح آن کفایت کند، بلکه در برابر یک سلسله از موضوع ها قرار داریم که مسأله ای از مسائل زندگی - چه پیش و چه پس از زندگی - را به حال خود نمی گذارد، بلکه به بررسی آن پرداخته، ابعاد آن را موشکافی می کند و آن گاه برای هر یک تعریف، هویت، معانی و اندیشه های مفصلی ارائه می دهد».^۶ اصطلاح قرآنی در نگاه دکتر عظیمه «همان مفردات و واژگان قرآن مجید است که در بافت آیه و رویکرد و روشی که آیه در آن گام برمی دارد، همگام و همراه است»^۷ و مراد از «واژگان قرآنی همان واژگانی است که نقش اصلی در آیه دارد و منبع نوری است که الهام بخش است و معنا را گسترش می دهد».^۸

۴. صالح عظیمه، معناشناسی واژگان قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، ص ۱۷-۴۷ (چاپ اول، به نشر، مشهد، ۱۳۸۰ ش).

۵. همان، ص ۱۰.
۶. همان، ص ۲۲.
۷. همان، ص ۱۷.
۸. همان، ص ۱۸.

الف) تعریف اصطلاحات قرآنی

در نگاه مؤلف «اصطلاح قرآنی موضوع مستقلی را تشکیل می دهد و در بسیاری از اوقات خود فتح باب موضوع های متعددی خواهد بود، برای مثال وقتی غیب، شهادت، اسم،

نگارش نویسنده چنان شیوا و جذاب است که خواننده به هنگام مطالعه آن احساس خستگی نمی کند. این ویژگی موهون آمیختگی مطالب علمی با لطایف عرفانی و فلسفی است که مؤلف را توان آن داده اند تا اثری روان و این چنین شیوا بنگارد. اینک به اجمال به دیگر ویژگی های برجسته روش دکتر صالح عضیمه اشاره می کنیم.

الف) بهره‌وری از احادیث شیعی

بهره‌وری از حدیث به ویژه روایات شیعی از امامان معصوم همانند امام علی (ع)، ۱۸ امام حسن (ع)، ۱۹ امام حسین (ع)، ۲۰ امام سجاد (ع)، ۲۱ امام باقر (ع)، ۲۲ امام صادق (ع)، ۲۳ امام کاظم (ع)، ۲۴ امام رضا (ع)، ۲۵ امام جواد (ع)، ۲۶ امام هادی (ع) ۲۷ بسیار فراوان بوده و گاه معیار ایشان در تحلیل و بسط موضوع واقع شده است.

در این میان توجه ایشان به آرای امام علی (ع) نمود بیشتری داشته و در موارد متعددی قول آن حضرت را بر دیگران ترجیح داده است، برای نمونه در ضمن تبیین واژه تقوا چنین می نویسد:

برخی تعریف دیگری از تقوا ارائه می نمایند و برخی هم

از منظر نویسنده اصطلاحات قرآنی «در نگاه نخست نزدیک به فهم و آسان یاب جلوه می کنند تا جایی که عقل تصمیم می گیرد به آن دست یابد و ناامید نمی شود، اما در بازگشت با شور فراوان و شوق فراگیری هر چه بیشتر باز می گردد. به گمانم هر اندازه عقل به خیر و نیکی آن دست یابد و لذت آن را بچشد، آتش شوق و آگاهی دوباره در وی شعله ور می شود یعنی نه خیر و برکت های آن اصطلاح پایان می یابد و نه عقل از تشنگی و شیفتگی سیراب می شود»^۹.

ب) گستره معنایی اصطلاحات قرآنی

در بیان گستره معنایی واژه های قرآن نیز چنین می نویسد: «اهل نظر و ژرف نگران درمی یابند که معنای لغوی به تنهایی کفایت نمی کند و زیبایی های ادبی و بلاغی به طور کامل ایضای مسئولیت نمی کنند و به هدف خواسته شده نهایی نائل نمی شوند، معانی فقهی و دینی توان کشیدن همه بار معنا را ندارند... زیبایی های معنوی یا تأویل های صوفیانه نمی می دهند ولی کفایت نمی کنند. تنها چیزی که می ماند این که این اصطلاحات چیز دیگری هستند که احساس فهمیده شده به آدمی دست می دهد، ولی توانایی دستیابی به آن نیست. آن را می بیند، ولی پروای درک و احاطه به آن وجود ندارد. این یکی از شگفتی های قرآن است و در این گنجینه هاست که استعدادها به رقابت می پردازند و سخن گونه گونه می گردد»^{۱۰}.

۴. روش تفسیری دکتر عضیمه

دکتر عضیمه پس از یادکرد عنوان در بیشترین موارد به سراغ تبیین ادبی و معنایی واژه رفته است. در مواردی هم پیش از آن به توضیحاتی کوتاه درباره اصطلاح مدنظر پرداخته است. عمده این توضیحات، مطالبی تاریخی، علمی، ادبی، قرآنی و حدیثی پیرامون اصطلاح مورد نظر است که دورنمایی از اصطلاح را در حوزه های گونه گونه در ذهن خواننده ترسیم می کند، آن گونه که در اصطلاح انسان، ۱۱ رَحِم، ۱۲ شکر، ۱۳ فطرت، ۱۴ قدر، ۱۵ کاهن، ۱۶ شمس و قمر^{۱۷} شاهد آن هستیم. سپس جهت بسط موضوع روایات تفسیری، آرای صحابه، مفسران، محدثان، عارفان و فیلسوفان را گزارش کرده و تفسیر درست را از میان آنها برگزیده و به تثبیت آن پرداخته است.

۹. همان، ص ۲۰.

۱۰. همان، ص ۲۱ و ۲۰.

۱۱. همان، ص ۱۰۱.

۱۲. همان، ص ۲۶۹.

۱۳. همان، ص ۳۴۸.

۱۴. همان، ص ۴۵۰.

۱۵. همان، ص ۴۶۲.

۱۶. همان، ص ۴۹۰.

۱۷. همان، ص ۳۵۳.

۱۸. همان، ص ۲۲۵، ۲۵۵، ۲۶۷، ۲۹۲، ۳۱۵، ۳۳۶، ۳۷۸، ۳۸۶، ۳۹۰، ۴۰۰، ۵۱۰، ۵۲۰، ۵۲۷، ۵۴۱، ۵۶۱، ۵۶۳، ۵۷۲، ۵۷۹ و ۶۰۴.

۱۹. همان، ص ۱۳۰، ۳۸۸، ۳۸۹ و ۵۷۵.

۲۰. همان، ص ۸۶، ۲۵۴، ۲۸۲، ۳۸۲ و ۵۳۱.

۲۱. همان، ص ۸۶.

۲۲. همان، ص ۳۴، ۲۶۱ و ۵۰۹.

۲۳. همان، ص ۲۵، ۳۶، ۶۳، ۷۲، ۸۴، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۸۸، ۲۱۳، ۲۶۶، ۳۰۰، ۳۱۳، ۵۳۱، ۵۴۲، ۵۵۹، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۸۸، ۶۱۸، ۶۳۰ و ۶۵۲.

۲۴. همان، ص ۴۰۲، ۴۰۴ و ۴۰۴.

۲۵. همان، ص ۶۵، ۷۲، ۸۵، ۳۱۸، ۳۳۶، ۴۰۱، ۴۱۰، ۴۶۷، ۵۲۰ و ۶۰۷.

۲۶. همان، ص ۵۷۵.

۲۷. همان، ص ۵۷۶، ۶۴۴، ۶۵۲ و ۶۵۴.

حالت روشنگری دارند، اما در رأس آنها سخن حضرت علی (ع) است که فرمودند: سرور و آقای مردمان در دنیا بخشندگانند و سرور و آقای مردمان در آخرت تقوایندگانند.^{۲۸}

یا در معنای کلام الهی و وحی می گوید: بهترین توصیف و گفتار درباره آن سخن علی (ع) در ذیحج البلاغه است که فرمود: متکلم است، ولی نه از سر اندیشه و مرید است نه از سر همت.^{۲۹}

ب) استناد به آرای صحابه و تابعین

بهره گیری از روایات تفسیری صحابه و تابعین به ویژه ابن مسعود،^{۳۰} ابن عباس،^{۳۱} عایشه،^{۳۲} سعید بن جبیر،^{۳۳} سدی^{۳۴} و قتاده^{۳۵} و دیگران از دیگر ویژگی های روش تفسیری مؤلف است. ناگفته نماند که مؤلف همگی منقولات از این دو گروه را نه تنها صددرصد پذیرفته، بلکه گاه به نقد آن نیز پرداخته است، از جمله نقد وی بر رأی عایشه درباره حادثة معراج نبوی که در الدر المنثور سیوطی نقل شده است، عایشه گفت: در شب معراج جسم رسول خدا را از دست ندادم، بلکه ایشان با روحشان معراج کردند.^{۳۶} ایشان در نقد این روایت می نویسند: «در رد این سخن همین کافی است که اسراء در مکه قبل از هجرت بوده است و حضرت با عایشه در مدینه پس از هجرت زناشویی کرد.»^{۳۷}

آن گاه در ادامه به استناد رأی مجمع البیان و حکیم سلطان محمد گنابادی جسمانی بودن معراج نبوی را ثابت کرده است.^{۳۸}

پ) رویکرد عرفانی-فلسفی در تفسیر

روش دکتر صالح عضیمه در معناشناسی واژگان این برجستگی را دارد که مؤلف در صدد ارائه معنایی جامع و فراخور منزلت قرآن در شناخت پدیده ها و شناساندن حقایق عالم هستی است و از آن جا که وی قرآن را بیانگر کلیه معارف می داند پردازش به بعد لغوی واژگان را در نمایاندن حقیقت معانی آیات توانا ندانسته و به تحلیل های عرفانی و فلسفی ای می پردازد که تاب و توان تضارب آرای فزون تری را برمی تابند. لذا روش وی را می توان رویکردی عرفانی-فلسفی در تبیین واژگان قرآنی نام نهاد که در میان گونه های مفردات قرآنی از حیث نوع نگاه به واژه های قرآنی

کم نظیر به شمار می آید. در سایه همین پیش فرض و رویکرد عرفانی-فلسفی است که ما شاهد ظهور و بروز آرا و دیدگاه های عارفان و فیلسوفانی بزرگ جهان اسلام-به ویژه دانشیان ایران زمین- به همراه ادبیاتی عرفانی-فلسفی و اصطلاحات تخصصی این دو دانش در کتاب او هستیم. فراوانی گزارش ها و نقل قول های مؤلف و استشهاد او به بیانات آنان خود شاهد آشکاری بر این مدعا است. ویراستار محترم اثر نیز-همسان با آنچه آوردیم- کتاب را چنین توصیف نموده است:

«این کتاب با دیگر کتاب ها و رساله هایی که در فرهنگ قرآن نوشته شده است این جدایی و برجستگی را دارد که به و اشکافی عرفانی-فلسفی واژگان و تعبیرهای قرآنی نیز پرداخته است. نگاه و نگرش دکتر عضیمه به اندیشه های دانشمندان و عارفان ایرانی یکی دیگر از ویژگی های این کتاب است.»^{۳۹}

ت) تأثیرپذیری از مفردات راغب، تعریفات جرجانی و المیزان

علامه طباطبایی

مؤلف در جای جای کتاب در اولین فرصت از دیدگاه های راغب در مفردات، جرجانی در تعریفات و علامه طباطبایی در المیزان فراوان بهره جسته و در اکثر موارد نخست عبارات این سه را در بیان معنای واژه آورده است، گویی نگره این سه ادیب و مفسر را بیشتر متقن می دانسته است.

ث) استناد به شعر

مؤلف در بیان معانی واژگان قرآن، پیشینه استعمال آن در ادب و لغت عربی و گاه برای استشهاد به شعر شاعران جاهلی و

۲۸. همان، ص ۱۵۵.

۲۹. همان، ص ۵۱۹.

۳۰. همان، ص ۲۳، ۶۳ و ۶۵.

۳۱. همان، ص ۱۲، ۱۳، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۱۰۲، ۲۲۰، ۲۴۵، ۳۰۴، ۳۳۶.

۳۲. همان، ص ۴۰۵، ۵۲۵، ۵۷۹، ۵۸۴ و ۶۴۴.

۳۳. همان، ص ۶۳، ۶۵، ۱۹۲، ۲۹۴، ۳۳۹، ۴۴۰ و ۴۴۱.

۳۴. همان، ص ۳۳۶، ۵۲۵ و ۵۸۴.

۳۵. همان، ص ۲۴۶، ۵۷۹ و ۶۱۵.

۳۶. همان، ص ۱۷۱، ۲۱۵ و ۴۴۷.

۳۷. همان، ص ۶۴.

۳۸. همان، ص ۶۴ و ۶۵.

۳۹. همان، ص ۶۵ و ۶۶.

۴۰. همان، ص ۱۴.

جرجانی، التوحید و معانی الاخبار صدوق، المواقف عبدالقادر جزائری، سنن ترمذی و الدر المنثور سیوطی.

۶. ارزیابی کلی مصطلحات قرآنیبه

این اثر دربردارنده نکات مثبت و قابل توجهی است، لکن پیرامون آن بایستی به نکته‌ای توجه نمود و آن این که در فهم مفردات قرآن بایستی به معانی حقیقی و مجازی زمان نزول قرآن توجه کرد و از دخالت دادن تحولاتی که در دوران پس از نزول قرآن در واژگان پدید آمده، اجتناب نمود، چرا که ممکن است واژه‌ای در گذر زمان پس از نزول قرآن، معانی حقیقی و مجازی جدیدی بیابد و احیاناً معانی حقیقی یا مجازی زمان نزول مهجور شود.^{۴۷}

آگاهی فراگیر مفسر و قرآن پژوه از این تحولات نقش مهمی در چگونگی تفسیر و دامنه استنباط وی ایفا می‌کند و هرچه در زمینه فهم گستره معانی واژگان قرآنی در روزگار نزول و دستیابی به حوزه معنایی واژه‌ها به‌ویژه واژگان همجوار توانمندتر باشد به همان اندازه منظر استنباطی وی نیز بازتر و همسوی با مراد متکلم آیات خواهد بود؛ از این رو فهم مفاد آیات قرآن و دیگر متون دینی بر مبنای معانی تازه الفاظ که در پرتو دانش‌ها و تئوری‌های زمان‌های متأخر قرار دارند نه تنها ضرورت ندارد، بلکه باید از آن خودداری کرد.^{۴۸}



۴۰. همان، ص ۶۹، ۸۰، ۱۹۹، ۲۱۱، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۴۳، ۲۴۹، ۳۱۳، ۳۷۲ و ۴۸۳.

۴۱. همان، ص ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۳۳، ۲۵۷، ۲۹۹، ۳۶۰، ۳۸۱، ۳۹۳، ۴۰۸، ۵۵۰، ۵۶۳، ۵۷۲، ۵۹۰، ۶۰۳، ۶۱۲، ۶۱۴ و ۶۴۳.

۴۲. همان، ص ۱۴، ۵۰، ۵۸، ۶۵، ۷۱، ۸۱، ۸۳، ۹۰، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۵۶، ۱۶۷، ۲۰۳، ۲۸۰، ۳۰۰ و ۶۰۷.

۴۳. همان، ص ۱۳۵، ۱۵۵، ۱۶۷، ۱۸۳، ۲۲۵، ۲۵۵، ۲۸۲ و ۲۹۰.

۴۴. همان، ص ۵۸، ۱۰۲، ۱۲۱، ۱۶۳، ۴۰۷، ۴۲۰ و ۴۴۱.

۴۵. همان، ص ۳۲۸، ۳۵۵، ۴۰۳، ۴۲۶، ۴۸۵، ۵۰۳، ۵۲۵، ۵۷۱ و ۶۰۳.

۴۶. همان، ص ۳۱، ۸۰، ۸۸، ۱۳۳، ۲۰۰، ۲۴۸، ۲۸۱ و ۴۰۳.

۴۷. خردنامه (ضمیمه روزنامه همشهری)، شماره ۳۴، آبان ۱۳۸۳ ش (علی اکبر بابایی، مقاله تحول تئوری‌ها و فهم مفردات قرآن).

۴۸. برخی بر ضرورت در نظر گرفتن این تحول معنایی در فهم مفردات قرآن پافشاری کرده‌اند «عبدالکریم سروش، قبض و بسط شریعت، ص ۱۳۱ و ۱۳۲». برای نقد این دیدگاه به مقاله «تحول تئوری‌ها و فهم مفردات قرآن» نوشته‌ی علی اکبر بابایی اشاره کنید.

اسلامی عرب و ایران زمین استناد می‌کند. افزون بر این گاه در میانه بحث اشعاری را از عارفان و حکیمان نقل می‌کند که طراوت خاصی به مطلب می‌دهد.^{۴۰}

۵. منابع و مصادر دکتر عضیمه

دکتر عضیمه در تدوین این اثر از منابع متنوع و متعدد حدیثی، عرفانی، تفسیری و ادبی بهره جسته است. مؤلفان آثار نیز از شیعه و سنی و از قرون مختلف بوده است. روش دکتر عضیمه در استفاده از این منابع چنین است که گاه وی یکسره مطلبی از آنها را باز گفته و دیگر بار به اجمال خلاصه‌ای از آن را گزارش کرده است. در بیشترین موارد قائل و منبع منقول عنه را یاد کرده است، گاهی هم تنها به بیان اصل قول اکتفا نموده است.

بهره‌گیری از دیدگاه‌های عارفان و فیلسوفانی چون محی‌الدین ابن عربی، ابوبکر شبلی، حسن بن حمزه شیرازی، ملا فیض کاشانی، صدرالدین قونوی، امام محمد غزالی، ابوعلی دقاق، بایزید بسطامی، ابوطالب مکی، سهل بن عبدالله شوشتری، عبدالرزاق کاشانی، شهاب‌الدین سهروردی، سی حیدر آملی، ابن مسکویه، عبدالرحمان جامی، داوود محمود قیصری، ملا هادی سبزواری، باباطاهر عریان، ملاصدرای شیرازی، علامه طباطبایی و مرحوم استاد مطهری از منابع تألیفی او در این کتاب بوده است. در این میان بهره‌وری ایشان از مفردات راغب اصفهانی،^{۴۱} تفسیر المیزان علامه طباطبایی،^{۴۲} رساله قشیریه،^{۴۳} احیاء علوم الدین غزالی،^{۴۴} تفسیر بیان السعادة سلطان محمد گنابادی^{۴۵} و آثار ابن عربی^{۴۶} بیشتر از دیگر منابع بوده و نمود خاصی پیدا کرده است. منابع مهم دیگری که مورد توجه ایشان بوده از این قرار است:

الفروق اللغویه ابوهلال عسکری، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان قمی نیشابوری، تفسیر طبری، حق الیقین شبر، معانی القرآن فرآء، تفسیر قرآن (منسوب به کاشانی) و فتوحات مکیه ابن عربی، اسفار ملاصدرا، الرسالة فی القضاء والقدر عبدالرزاق کاشانی، اشارات ابن سینا، اصول کافی کلینی، صحیح مسلم، نهج البلاغه امام علی (ع)، امالی شیخ مفید، احتجاج طبرسی، حقائق التأویل فی متشابه التنزیل شریف رضی، الامثال فی القرآن ابن قیم جوزیه، الهوائل والشواهل ابوحیان، عدل الهی استاد مطهری، تعریفات